



نگرشی بر اسطوره ایزد تیشتر (باران)؛ با تکیه بر تیشتریشث اوستا

زهره شیخی*

دانشجوی دکتری رشته تاریخ ایران قبل از اسلام دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات

*دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات

چکیده

اسطوره به عنوان تاریخ انسان بدوی و ساخته تفکر انسان نخستین، همواره جایگاه والایی در پژوهش های دانشمندان علوم انسانی داشته است، که او چگونه می اندیشیده است و از طریق همین طرز تفکر با محیط پیرامون خود ارتباط برقرار می کرده است. اسطوره به نوعی تاریخ دوران پیش از تاریخ است که با بررسی و تحلیل آن به کشف نکات تاریک تاریخی پی برد. جایی که انسان دلیلی برای علل آن ها نداشت دست به تخیل و اسطوره سازی می زند که در بین ملل مختلف متفاوت یا همسان می باشد. از جمله همسانی و مشابهت ها درخوشکاری پهلوانان و ایزدان بین اقوام هندو ایرانی دیده می شود، به طوری که ریشه ی این تشابهات، بی تردید باید در ادوار کهن جست. ایامی که قوم ایرانی در کنار برادران هندی خود به سر می بردند. گرچه بعضی از خویش کارهایی ایزدان هندی و ایرانی مانند هم می باشند ولی این به آن دلیل نیست همه این اسطوره ها در زمان هایی بوده است که با هم در عصر ودایی می زیسته اند، بعضی از آن ها به دلایلی چون جنگ، تجارت، مهاجرت و امثال این دلایل از هم تاثیر پذیرفته اند. در این پژوهش به معرفی اسطوره ایزد باران (تیشتر)، مطالعه و بررسی پاره هایی از تیشتریشث، ریشه یابی پدید آورندگان این اسطوره و نیز خاستگاه اسطوره ایزد باران پرداخته شده است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و شیوه کتابخانه ای صورت پذیرفته است.

کلید واژه: ایزد تیشتر، تیشتریشث، اوستا، خشکسالی، دیواپوش



مقدمه

واژه اسطوره در زبان پارسی برگرفته از واژه عربی الاسطوره و الاسطیر به معنای روایت حدیثی است که اصلی ندارد (بهار، ۱۴۰۰: ۳۴۳) همچنین اسطوره از واژه یونانی هیستوریا به معنی جستجو، آگاهی و داستان است. برخی نیز اسطوره را از واژه میتوس (Mythos) به معنی «شرح، خبر و قصه» می دانند و اصطلاح my thology برابر با اسطوره شناسی می باشد. (بهرامی، ۱۳۹۹: ۹) حوادثی که در اسطوره ها نقل می شود مانند داستان واقعی تلقی می گردد، زیرا به واقعیت ها ربط داده می شود و همیشه به دنبال منطق می گردد. اسطوره ها از این جهت که دیدگاه های انسان را نسبت به خویشتن، جهان و آفریدگار بیان می کنند، دارای اهمیت هستند. اسطوره گذشته از توجیه جهان، توجیه نقش آدمی در آن نیز بوده است « اسطوره ها تقریباً هر فردی را که به نوعی با لذت های بی شمار و سحر افسونگر آن ها برخوردی داشته تحت تاثیر قرار می دهد. (دادگر و روزبهانی، ۱۳۹۷: ۱۷) در زبان روزمره «اسطوره» در معنی «خیالی» و «غیر واقعی» به کار می رود و مشوق این کاربرد فرهنگ انگلیسی آکسفورد است که توصیف اسطوره را با این کلمات آغاز می کند: «روایتی که جنبه افسانه ای محض دارد...». این تلقی کاملاً گمراه کننده و از آن چنین بر می آید که اسطوره ها را باید داستان های نیمه واقعی پنداشت که ممکن است راست یا دروغ باشند. اما منظور از «راست» دقیقاً چیست؟ آنچه که مهمتر از واقعیت یا صحت تاریخی است نقش مفهوم و معنای اخلاقی است که در اسطوره ها گنجانده شده است. (هینلز، ۱۳۹۷: ۲۴) اسطوره ها به مثابه پدیده های فرهنگی حامل بارهای معنایی-تاریخی هستند. از این رو آن ها گاه به نمادهایی از واقعیت های دوردست، یا نوعی حافظه جمعی تعبیر کرده اند که با گذشت زمان به تدریج بر ابهام و پیچیدگی شان افزوده می شود اما همواره کاربرد خود را در صیانت از گروهی از ارزش ها حفظ می کنند.

اسطوره ها برخاسته از کردارها و باورهایی هستند که روزگاری برای انسان ها مقدس بوده و با حیات دنیوی و روحانی شان ارتباط جدایی ناپذیر داشته اند. این اعمال و اعتقادات طی سده ها و هزاره ها در فرهنگ های مختلف به اشکال گوناگون حفظ شده اند. (چالاک و مردادی، ۱۳۹۵) اسطوره را روایتی از تاریخ قدسی در نظر می گیرد و آن را مرتبط با حادثه ای قرار می دهد که در زمان ازلی اتفاق افتاده و جوهر و خمیرمایه اصلی دین است. (خواجه گیرودیگران: ۱۳۹۹) اسطوره ها همچنین می توانند پدیده های دنیای طبیعی، از قبیل حرکات خورشید، اوضاع جوی، قحط سالی و خشکسالی و توفان را در قالبی ماورا طبیعی تبیین کنند. بنابراین اسطوره ها به واسطه پیوندشان با الوهیت و مذهبی وجود دارند. آنها روایتگر موجودات مقدس-خدایان و قهرمانان-و پیوند آنها با موجودات فانی اند، و از این رهگذر، چارچوب نظام های عقیدتی را شکل می دهند. (گرین، ۱۳۹۸: ۱)

یکی از اسطوره های در خور توجه داستان اسطوره تیشتر (ایزد باران) است که شرح نبرد آن با دیو خشکسالی در اوستا (یشت ۸) آمده است و تیشتر را ستاره رایومند فرهمند معرفی نموده که بر آن نماز می گذارند و برای آن قربانی می کردند که بتواند



نیرو ازدست رفته خویش را برای نبرد دیو خشکسالی یا اپوش بازیابد. غیر از اوستا در بندهش آمده است که در آغاز آفرینش گیتی ف در حمله اهریمن، نقش پخش آبها و دانه ها در جهان به عهده اوست (بندهش، ۱۴۰۰: ۶۵) پرسش نود و دوم از بخش دوم کتاب دادستان دینی، به موضوع باران سازی تیشتر و همکاران او اختصاص دارد. در این فصل، پرسشگران از اسطوره تیشتر آگاه بوده اند که در همان آغاز می پرسند: «تیشتر آب از کجا می ستاند و چگونه به ابر می دهد...» و منوچهر در پاسخ اظهار می دارد که آب برداشتن تیشتر به شیوه ای مینوی است که نمود ظاهری آن به صورت گرفتن آب از دریای ارننگ یا فراخکرد است. (دادستان دینی، ۱۳۹۷: ۱۹۹-۲۰۲) در مینوی خرد در مورد تیشتر آمده است: «تیشتر آب را با همه آن تخم ها بستاند و با آن باران به جهان ببارد. (مینوی خرد، ۱۴۰۰: ۷۱) ویلیام مالاندر (۱۳۹۳) در کتاب «مقدمه ای بر دین ایران باستان» که توسط خسرو قلی زاده ترجمه شده است و در سال ۱۳۹۳ توسط نشر کتاب پارسه به چاپ رسید، در فصل دوازدهم این کتاب به بررسی تیشتریش و معرفی این ایزد می پردازد. در این مجموعه در مورد تیشتر می نویسد: «تیشتر ستاره روشنی است. می توان گمان کرد که او جز درخشان ترین ستارگان است زیرا اهوره مزدا او را به عنوان «رد و سرور همه ستارگان» قرار دارد. او خدای طوفان های جوی نیست.» (مالاندر، ۱۳۹۳: ۱۸۵) نبرد تیشتر و اپوش (دیو خشکسالی) در کنار دریای وروکشه (فراخکرد) است. در کتاب جان هینلز به نام «شناخت اساطیر ایران» ترجمه ی آموزگار و تفضلی (۱۳۹۸) که در سال ۱۳۹۸ توسط نشر چشمه چاپ گردید، در مورد شخصیت تیشتر نوشته است که او شخصیت دو گانه ای ندارد و وی نیروی نیکوکاری است که در نبردی کیهانی با اپوشه (اپوش) دیو خشکسالی که تباه کننده ی زندگی در گیر می شود. تیشتر «ستاره باران و شکوهمند» نخستین ستاره و اصل همه آب ها و سرچشمه باران و باروری است. (هینلز، ۱۳۹۸: ۳۷) رحیم عفیفی (۱۳۸۳) در کتاب «اساطیر ایران» در سال ۱۳۸۳ توسط انتشارات توس به چاپ رسید در مورد تیشتر مطالبی آورده اند و اشاراتی به تیشتر و دیو اپوش نموده است، او چنین آورده است: «تیشتر ستاره باران است، صورت اوستایی آن تیشتریه و در پهلوی تیشتر و در فارسی تیر یا تشر و در بعضی فرهنگ ها به غلط بستر آمده است...» احسان یارشاطر (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان ایندرا در سال ۱۳۹۹ توسط انتشارات شفیع به چاپ رسیده است در مورد تیشتر این چنین می نویسد: «پیدا است که داستان تیشتر صورت اساطیری حادثه باران پس از خشکی است که در احوال ایندرا با کمی تفاوت منعکس است.» (یارشاطر، ۱۳۹۹: ۲۲-۲۳) زهره زرشناس و فرزانه گشتاسب (۱۳۸۹) در کتاب به نام «تیشتریش» به بررسی این یشت پرداخته است. این پژوهش یشت هشتم از مجموعه یشت های اوستا در توصیف ستاره تیشتر در زبان اوستایی است. این کتاب در سال ۱۳۸۹ توسط پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به چاپ رسید. وستا سرخوش کرتیس در کتاب «اساطیر ایران» ترجمه عباس مخبر (۱۳۹۸) نگاهی کوتاه به تیشتر داشته است. این کتاب در سال ۱۳۹۸ توسط نشر مرکز به چاپ رسیده است. (سرخوش کرتیس، ۱۳۷۳: ۱۶-۱۵) تا کنون مطالعات گسترده ای در حوزه اساطیری هندی و ایرانی انجام شده است که در این زمینه اشاراتی به ایزد باران و نمود آن در ریگ و دهاها به نام ایندرا شده است. در مقاله ابوالقاسم اسماعیل پور (۱۳۸۱) تحت عنوان «تیرماسیزه



شو (جشن تیرگان) و اسطوره تیشتر» که در سامانه پرتال جامع علوم انسانی در سال ۱۳۸۱ در مجله نامه انسانشناسی ، به معرفی جشن تیرگان که مربوط به اسطوره ایزد باران است و آرش کمانگیر پرداخته است. دو مقاله تحت عنوان های « تحلیل اسطوره شناختی مفاهیم موثر بر شکل و فرم ریتون های هخامنشی » مطالعه ی ابوالقاسم دادور ، بیتا مصباح (۱۳۹۸) در نشریه علمی باغ نظر در سال ۱۳۹۸ ؛ مقاله ی غلام علی حاتم و سمیرا داناسرشت (۱۳۹۱) «نمادهای اساطیری تیشتر و ورثه بر روی مهرهای ساسانی» در فصلنامه علمی پژوهشی هنرهای تجسمی نقش مایه در سال ۱۳۹۱ به مطالعه و بررسی و تحلیل نمادهای اساطیری تیشتر بر روی ظروف ، مهرها و اثر مهرها و ریتون ها پرداخته اند.

ایزدان

پس از آفرینش امشاسپندان، اورمزد ایزدان را می آفریند. امشاسپندان جلوه های اورمزد به شمار می آیند و ایزدان دستیار و یاوران امشاسپندان برای حفظ و پشتیبانی آفرینش های مادی می باشند. شماری از ایزدان از خدایان باستانی اند، یعنی پیش از زردشت نیز جنبه خدایی داشته اند مانند مهر، ناهید، وای، تیشتر، بهرام، ریشوین. برخی با آیین های دینی ارتباط دارند مانند ایزد آتش و ایزد هوم ، بعضی از آنها مفاهیم اخلاقی و انتزاعی هستند که تشخیص یافته اند مانند مفهوم راستی. برخی نمادها پدیده های طبیعی هستند مانند ایزد خورشید و آسمان. تعدادی نیز از قهرمان اند که دارای برخی ویژگی های مینوی است. (آموزگار، ۱۳۹۹: ۱۹)

خدایان نیز به مشخصات و ویژگی های خود در یک یا دو لایه از لایه های سه گانه گیهان ساکن شدند ، و بنا به ویژگی بارزشان ایزدان ساکن در آسمان ، یا به اصطلاح « ایزدان آسمانی » ، آفریننده ی گیهان و نماینده ی بالاترین اصول اخلاقی شدند .

اینان هم چنین مذکرند و اغلب به دور از کارکردهای روزمره ی گیهانی باقی می مانند ، هر چند در برخی موارد فعالیتی ابدی از سوی آنان ضروری می نماید ؛ مثلاً در مورد ایزد مهر که همواره بر پیمان شکنان نظاره دارد . ایزدان جوی ، که معمولاً مذکرند ، به سرشتی خشونت بار یا حداقل جنگجویانه تمایل دارند .

اینان نیز ساکنین دائمی جو هستند ، همچون ایزد باد ؛ در غیر این صورت در کوه (معمولاً کوهی گیهان) مسکن دارند و در گردونه هایشان یا در یکی از شکل های جانورشدگی (theriomorphic) خود باد را به پیش می رانند . طوفان و نبرد پیشه اصلی آنهاست ، همچون ایزد باران (تیشتر) .

ایزدان زمینی، که معمولاً مونث اند، با حاصلخیزی، کامگاری و امور روزمره مرتبط اند. سرانجام ایزدانی نیز هستند که به وسیله طبیعت همه سطوح گیهانی را در سیطره ی خود گرفته اند . برای مثال ایزد آتش واسطه ی اصلی ارتباط میان انسان و قلمروی ایزدان است . او هم چنین خدایان را به سوی قربانی هدایت می کند یا ندورات را به ایزدان می رساند . رودخانه ی آسمانی (که با نام های گوناگون شناخته شده است) از بلندای آسمان به سوی زمین جاری است، به ویژه در ایران ایزد بانویی چند



وجهی که به صورت شخصیتی انسانی داده شده، همه ی سطوح گیهانی را به عنوان ویژگی بارز خود نشان می دهد (مالاندرا، ۱۳۹۳: ۳۶-۳۷).

ایزد تیشتر (باران) :

تیشتر نام ایزد باران و نام ستاره باران است. صورت اوستائی آن تیشتریه، در پهلوی تیشتر و در فارسی تیر یا تشر و در بعضی فرهنگ ها به غلط بستر آمده و آن را میکائیل یاد کرده اند (عفیفی، ۱۳۹۳: ۴۷۴) تشر ستاره قلب الاسد است، ستاره ای که میان تابستان طلوع کرده و بر آسمان می درخشد تشرینی، نام دسته ای از ستارگان است که نزدیک تشر و از یاران او هستند. در متون نجومی تیشتر به عنوان دشمن در برابر تیر قرار می گیرد. تیشتریه ستاره روشنی است می توان گمان کرد که او جزء درخشان ترین ستارگه است، زیرا اهورمزدا او را به عنوان «رد و سرور همه ستارگان» قرار دارد. آنچه به ویژه ستاره ی تیشتر را متمایز می کند این است که او یکی از ستارگان «آب چهره» می باشد (مالاندرا، ۱۳۹۳: ۱۸۵) یعنی یکی از ستارگانی که مسئولیت رساندن آب را (عمدتاً آب باران) به زمین بر عهده دارد. تیشتر از نیرومندترین ستارگان است. تیشتر از نیرومندترین ستارگان است. او را در وهله ی اول با جنبه ی های مختلف آب شناسی مرتبط می کند. از تیشتر یشت بر می آید که تیشتر از نقطه نظر پدیدارشناسی دینی، خدای طوفان های جوی نیست. هر چند با طلوع سالانه اش مصادف نیروهای طوفان برانگیز بود، اما به نظر می رسد که این خود تیشتر نیست که باعث نزول باران می شده است. نبردش با نیروهای شر که مانع بارش باران می شدند به تنهایی باعث به وجود آمدن شرایط مناسبی برای تولید باران می گشت. تشر فرشته باران و اپئوش دیو خشکسالی پیکار و مبارزه پر هیجانی را می گذارند و سرانجام او را شکست داده و آب های آسمانی را بر زمین فرو می ریزد. در تشریشت شرح مبارزه و چگونگی ظهور این ستاره آمده و یادآوری شده است که پس از دیدن تشر فوراً باران نمی بارد و مدت زمانی فاصله می باشد. در سه ده شب تشر به سه شکل در آسمان به پرواز در می آید و مبارزه او با دیو خشکسالی در کنار دریای فراخکرد صورت می گیرد در این مبارزه به سه شکل و ترکیب جسمانی آشکار می شود در ده شب اول به صورت جوانی بلند بالا، زیباروی با چشمانی درخشان در سن پانزده ساله، در ده شب دوم در ترکیب گاوی زرین شاخ و در ده شب سوم به صورت اسبی سپید با گوش ها و لگام زرین، و با همین ترکیب است که اپئوش دیو خشکسالی که به صورت اسب سیاه و بی یال و دم است به مبارزه بر می خیزد. مدت سه شبانه روز پیکار بین آنها در دریای فراخکرد در می گیرد در این پیکار اپئوش دیو خشکی پیروز می شود و تشر به مسافت هزار گام عقب رانده می شود تشر که از این شکست اندوهگین است انتظار دارد که مردمان او را همچون دیگر ایزدان ستایش کنند تا نیروی جدیدی به دست بیاورد، اهورمزدا به او نیرو می دهد این نیرو به اندازه ده اسب، ده شتر، ده گاو، ده کوه، ده رود قابل کسترانی است. تشر بار دیگر به ترکیب اسبی سپید با گوش های زرین لگام در کنار دریای فراخکرد ظاهر می شود. اپئوش دیو خشکسالی همان ترکیب اسب سیاه بی یال و دم راه را بر او می بندد، پیکاری



سخت در می گیرد در این پیکار تشر بر ایشوش پیروز می شود و او را هزار گام از دریای فراخکرد به دور می راند. تشر آوای شادی سر می دهد و از اینکه موجب شادمانی و نشاط موجودات اهورمزدا گردیده خرسند می گردد.

دریا به جنبش در می آید و به یاری باد، مه را به طرف آسمان می برد و باران بر کشت زارهای هفت کشور زمین می بارد. مبارزه در اینجا پایان نمی پذیرد و ستارگانی که اهریمن آفریده است پیکار را دنبال می کنند. نبرد بین تیشتر و ایشوش که سه روز به طول انجامید که این مدت پیش از بارندگی بود. (نیکوبخت و دیگران، ۱۳۹۱) و آئه، ایزد همین بادی است که می وزد و او را به عنوان موجودی که ابرهای باران را می آورد، می پرستیده اند. وی موجودی اسرارآمیزتر است که در ریگ و دای را «جان ایزدان» خوانده اند و ایرانیان، گویا او را دم حیات می دانسته اند که تا این دم را نگاه می دارد، سود بخش است، ولی آن دم که آن را باز می گیرد، دهشتناک خواهد بود. و آئه ی باران آور را هروتنی آردوی سور یا همان سرسوتی سنسکریت همراهی می کرد که نامش به معنای «دارنده ی آب ها» ست و در قالب رودی اساطیری تشخیص می یافت که تصور می کردند از کوهی بلند در مرکز زمین، به دریایی بزرگ می ریخت؛ این دریا را به زبان اوستایی و توروگنه می خواندند که به معنای «دارنده ی خلیج های بسیار» است. رودهای دیگر از این دریا جریان می یابند و آب را به سرزمین های مختلف می برند. ابرها نیز همه ساله ها از فراخکرد بر می گیرند و تضمین این کار، وظیفه تیشتریه، ایزد باران است. (مری بویس، ۱۴۰۰: ۳۰)

آنچه به ویژه ستاره ی تیشتر را متمایز می کند این است که او یکی از ستارگان «آب چهره» می باشد، (مالاندرا، ۱۳۹۳: ۱۸۵) یعنی یکی از ستارگانی که مسئولیت رساندن آب را (عمدتاً آب باران) به زمین بر عهده دارد. تیشتر از نیرومندترین ستارگان است. او را در وهله ی اول با جنبه ی های مختلف آب شناسی مرتبط می کند. از تیشتر یشت بر می آید که تیشتر از نقطه نظر پدیدارشناسی دینی، خدای طوفان های جوی نیست. هر چند با طلوع سالانه اش مصادف نیروهای طوفان برانگیز بود، اما به نظر می رسد که این خود تیشتر نیست که باعث نزول باران می شده است. نبردش با نیروهای شر که مانع بارش باران می شدند به تنهایی باعث به وجود آمدن شرایط مناسبی برای تولید باران می گشت. (مالاندرا، ۱۳۹۳: ۱۸۶) با پذیرش این نکته که تیشتر ستاره ای است که باعث آغاز فرایند باران سازی و کلاً ذخیره سازی منابع آبی می گردد و بدین ترتیب وجودش برای پیدایش غلات نیک و بهبود دام و چهارپا ضروری است. در بندهش آمده: در آغاز وقتی خرد پلید به ضد خرد مقدس ستیزه نمود تشر به یاری خرد مقدس برخاسته وی به راهنمایی ایزد برز و فروهر نیکان و یاری بهمن و ایزد هوم، سه ترکیب به خود گرفت، نخست به صورت مردی، دوم به شکل اسبی، سوم به قالب گاو نری، در آمد و مدت سی شبانه روز در میان فروغ پرواز نمود و از ترکیب سه گانه خود مدت ده شبانه روز باران بارید، و از اثر آن بارندگی به اندازه قد یک مرد، آب در روی زمین بالا آمد، جانوران مودی هلاک شدند، آنگاه باد ایزدی وزیدن گرفته آبها را باقی حدود زمین برد، و از آن دریای فراخکرد پدید آمد. لاشه جانوران مودی در زمین بماند از آنها عفونت پدید آمد برای آن که زمین از زهر پاک شود و غیر پاک نمودن عفونت مانده بر زمین، آب جهنده یا همان آب نجاست (پاره ۴۳) را نیز از بین می برد. (زرشناس



وگشتاسب، ۱۳۸۹: ۱۰۴) دومین بار، تشر به شکل اسب سفیدی با سم های بلند به سوی دریا شتافت، دیو خشکی به صورت اسب سیاه با سم های گرد از پی او دوید و تشر را بیم و هراس انداخت.

تشر به یاری اهورمزدا زور ده اسب جوان، ده شتر جوان، ده گاو ورزای جوان، ده کوه، و ده رود به خود گرفت، آنگاه دیو اپوش یک فرسخ دور گریخت و تیشتر او را یک هزار گام از دریا دور نموده و آب برگرفته و بهتر از پیش به بارید، قطرات بزرگ و کوچک هر یک به درشتی کله گاو و کله انسان فروبارید. در مدت این بارندگی دیوهای اسپنجروش یا اسپینچگر و اپوش به ضد تشر کوشیدند آتش و از ریشه از گرز تشر شراره کشید و اسپینچگر را هلاک نمود و از ضربت گرز، خروشی از نهاد اسپینچگر برخاست، این خروش همان است که هنوز هم پیش از بارندگی از رعده شنیده می شود. آنگاه تشر در مدت ده شبانه روز باران فرو ریخت و چرک و زهر که جانوران موزی در روی زمین ماند با آب مخلوط شد و از آنست که آب شور پدید آمد.

غیر از اپوش دیو خشکی، دسته ای از پری ها با تشر در زد و خورد هستند، ولی شکست می یابند. رقیب دیگر تشر دژ یائیریه یا دیو قحطی و بدسالی است که در تشریشت در زمره یکی از پری ها آمده و تشر به سبب مقاومت در برابر او مورد تقدیس قرار گرفته است. در مینوی خرد، ستاره تیشتر از همه ستارگان مهتر و بهتر و ارجمندتر و رفاه جهان از او دانسته شده است. در گزیده های زاداسپریم آمده: «گسترش آفرینش با تیشتر اختر است که اختر چهارم و خدای آب است، تیشتر فرشته آراینده و خدای ماه چهارم است. از این روی است که تیرماه، چهارمین ماه سال است. تیشتر، باد را به یاری خواست، بهمن و هوم به راهبری و برز آبان ناف به همکاری و اردای فرورد به پیمان داری، به گرد هم آورده شدند تیشتر به سه پیکر گشت که هست: مرد پیکر، گاو پیکر و اسب پیکر، به هر پیکری ده شب اندر روشنی پرواز کرد، و سی شب باران را به نابود کردن خرفستران (= جانوران موزی) به هشت، سرشکان (= قطرات) جدا جدا چون تشتی بزرگ بودند که بدان آب برداشته شود. در گات ها اسمی از تشر نیست، در سایر قسمت های اوستا (یسنا ۱۱/۱، ۲۲۷/۴/۱۶، یشت ۵/۱۸، ۷، و ندیداد ۳۷/۱۹) هر گاه به نام او بر می خوریم، همیشه در کنار ایزدان و فرشتگان است. هر جا هم که از او یاد شده است، منظور فرشته باران بوده است، حتی در تفسیر فارسی خورشید نیایش به منزل باران تعبیر شده است، دو صفتی که همیشه از برای تشر آمده اول رایومند و دومی فرهمند می باشد. (یشت ها ۱ و ۲؛ ترجمه ابراهیم پورداود؛ ۱۳۹۹: ۲۵۷) زیباترین وصف اسطوره تیشتر و نبرد آسمانی او را در تیشتر یشت می توان مشاهده کرد. این سرود نیایشی اوستایی بخشی از یشت هاست. تیشتر یشت دارای ۱۶ کرده و ۶۲ پاره می باشد. پاره ۱ تا ۱۲ در وصف ستاره تیشتر، ایزد باران است که به احتمال قوی همان شعرای یمانی است و ظهور آن نوید بخشی فرود آمدن باران است و در پاره ۵ آمده که همه چشم به راه او هستند تا به سوی دریای فراخکرد بتازد. در پاره ۸ به جدال او با پریانی که به شکل شهاب های ثاقب ظاهر می شوند، اشاره شده است و در پاره ۱۲ نام ستارگانی که همکار و یاور تیشتر هستند آمده است: تیشتریانی ستاره ای که بعد می آید، پروین، هفتورنگ و وند.



پاره های ۱۳ تا ۳۴ درباره ی جدال تیشتر با اپوش ، دیو خشکسالی و پیروزی این ایزد بر او و نتایج حاصل از آن است . بند ۳۵ به بعد در ستایش تیشتر و توصیف کارهای اوست.

از نکات در خور توجه در این یشت اشاره به تیراندازی آرش پاره های ۶ و ۷ و ۳۷ و ۳۸ است و این قدیمی ترین منبعی است که در آن ، نام این قهرمان آمده است . (تفضلی، ۱۳۹۸: ۵۱)

ساختار تیشتر یشت سه بخش اصلی را نشان می دهد: بخش نخست (کرده های ۱-۵ ، بندهای ۱-۹) پیش دآمدی بر اسطوره تیشتر است و بخش دوم (کرده های ۱۰-۳۴) مربوط به تشریح خود اسطوره است . (اسماعیل پور، ۱۳۸۱) بخش سوم (کرده های ۷-۱۶ ، بندهای ۳۵-۶۱) لحنی غنایی و نیایش دارد و خود به دو قسمت زیر تقسیم می شود :

۱- کرده های ۷-۱۵ که کاملاً مربوط به فراخوانی ایزدان است و جنبه مرثیه ای دارد .

۲- کرده های ۱۶ مربوط به دعا و مراسم آیینی شامل دستوراتی برای قربانی است .

در دوران کهن ، ایزد باران ، یعنی تیشتر بسیار مورد احترام و ستایش بوده است و چهارمین ماه سالنامه ی ایرانی تیر نام دارد که از روی ایزد تیشتر نامگذاری شده است . جشن مربوط به این ایزد جشن تیرگان یا جشن باران است . (سرخوش کرتیس، ۱۳۹۴: ۲۱) نمودهایی از این ایزد در روی ریتون های هخامنشیان می توان مشاهده نمود . در نماد شناسی نقش **گاو** جزو حیوانات شاخ دار است و به همین دلیل حیوان ماه می باشد . تیشتر ، ایزد باران ، در دومین صورت خود به شکل گاو نری متجلی می شود . تیشتر در بندهش ، ایجاد کننده ی اولیه باران و دریاها و دریاچه هاست . در اوستا سرچشمه ی دائمی آب هاست ، کسی که فرزند عطا می کند ، سرور همه ی ستارگان و حامی سرزمین های آریایی است و به وسیله نوشیدنی پادشاه قدرت باروری سرزمین را به واسطه ی تیشتر ایزد باران و باروری حمایت می کند و پادشاه خود سمبل این نیروی باروری است . (مصباح ودادور، ۱۳۹۸: ۲۱-۳۲) تیشتر با ستاره شعرای یمانی شناسایی می شد که خود نشان دهنده ی روزهای پیش از آغاز فصل بزرگ باران بوده است . ارتباط اعتقادی میان ماه و ستاره حتی امروزه نیز بین کشاورزان رایج است که منازل ماه بر طوفان اثر می گذارد و از جهت حاصلخیزی باید گرمی داشته شود ؛ زیرا کار حیاتی بذر افشانی و کشت و زرع متکی بر آن است . سه مورد تجس تیشتر برابر با صورت های سه گانه بهرام (ورثرغنه) است . گاو با شاخ های زرین و اسب سفید با گوش های زرین و مرد جوان که این تقارن اتفاقی نیست . به سبب این همانندی ها تجسدها ، مهرهای منقوش به گاو و اسب می تواند به آن ها مربوط باشد . ماهی نماد باران است ؛ موجودی که سیطره ی غریبی بر موجودات دریایی دارد و همانند اسب تک شاخ تیشتر ریش دار دارای بال است . این عضو گروه با نقش سنتی ماه ریش دار گاه در یک مهر عتیق در کتابخانه ی ملی پاریس به شکلی واحد ظاهر می شود . موجودی افسانه ای پدیدار شده است دارای سر انسان با پیش تنه ی گاو و دم ماهی است که جای فرود جان برهنه ای - ظاهر تیشتر - است و در گوشه ی مقابل یک سر گاو که احتمال دارد بازنمایی دیگری از گاو یکتا



آفریده با یادآور روان گاو باشد. در زیر همه این گروه یک شاخه ی نخل که ظاهراً اشاره به ماه درخت دارد. (حاتم وداناسرشت، ۱۳۹۱)

نقش دیگری که احتمالاً از تیشتر طلب حمایت دارد، ستاره ای بزرگ است؛ زیرا با آن که دیگر ایزدان دارای پیوندهای ستاره ای خاص خود هستند، تیشتر به عنوان «ستاره ی اول، ستاره ی درخشان و با شکوه» نام برده شده است. ماه در آیین زردشت جز ایزدانی است که در اوستا از آن ستایش شده است. که با فروغ آن در بهاران گیاه سبز از زمین می روید و نیز از توانایی درمان بخشی امری یاد شده است. در بندهش هم خورشید و ماه سردار ستارگانند.

در داستان اسطوره تیشتر نکته در خور توجه است:

۱- دریای فراخکرد (اوستایی آن وروکشه): در بند هایی به دریای فراخکرد اشاره رفته است و با توجه به این گفته ی بندهش «سه دریای شور مایه ور هست که یکی (پودینگ و یکی کمروود و یکی سیاه بن) است. از هر سه پودینگ بزرگتر است که در آن جزر و مد است؛ هم ناحیت دریای فراخکرد و به فراخکرد پیوسته است. میان این دریای فراخکرد و پهلوی آن پودینگ را دریایی گرفته است که دریای ستویس خوانند. هر ستبری و شوری و ناپاکی از دریای پودینگ به دریای فراخکرد گرد آید، رود به بادی بزرگ و بلند از آن دریای ستویس باز زده شود؛ هر چه پاک و روشن است به فراخکرد و چشمه های اردویسور شود، آن دیگر به پودینگ باز ریزد. بند این دریا به ماه و باد پیوسته است، به افزایش و کاهش ماه بر آید و فرود شود. از آن روی که گردش او به نیمروز است، بند دریای ستویس نیز به ستویس ستاره بسته است که در دریاها و ناحیت نیمروز در پاسبانی او است، همان گونه که ناحیت اباختر در پاسبانی هفتورنگ است. (بندهش، ۱۴۰۰: ۷۴) درباره جزر و مد گوید که از پیش ماه، به هر گاه، دو باد می وزد که جایگاه ایشان در دریای ستویس است. یکی را فرود آهنج و یکی را بر آهنج خوانند» که به جزر و مد اشاره رفته است: در قسمتی هم از این بند اشاره کرده است که دریای فراخکرد، آبش سطح وسیعی را فرا گرفته است و بعد از آن می گوید بادی از سمت دریای فراخکرد آغاز به وزیدن می کند که مقصود همان بادهای موسمی جنوب غربی است که از سمت اقیانوس هند می وزد که بیشترین میزان بارش در نواحی جنوب غربی در قسمتی از بخش های کشور در ماه های ژوئن تا سپتامبر را داراست. در این متن پهلوی اشاره به جزر و مد که در فارسی میانه به آن فرود آهنج و بر آهنج نامیده می شود که در اقیانوس ها رخ می دهد و نتیجه ی واکنش این پهنه های آبی به نیروهای کشنده ای هستند که در اثر کشش گرانشی میان ماه، خورشید و زمین پدید می آیند. بعضی از مورخان، به اشتباه نام کوه البرز که در این بند بندهش آمده است، که می گویند: «منظور همان رشته کوه های البرز کشور ایران است». در پاسخ باید گفت، نه دریای فراخکرد، دریای خزر است نه کوه البرز در بندهش، همان رشته کوه های البرز. زیرا دریای فراخکرد دارای جزر و مد می باشد، حال آن که دریای خزر دارای جزر و مد نیست به خاطر آن که دریای خزر پهنه بزرگی دریایی که دارای تشدیدهای طبیعی که



سازگاری نزدیکی با نیروهای جزر و مدی، چه روزانه و چه نیمه روزانه را ندارد. (سایت علمی بیگ بنگ / منبع : ukho.gov.uk) از همین رو واکنش شدیدی به این نیروها نشان نمی دهند و در نتیجه جزر و مد چندان در قیاس با دریای عمان و خلیج فارس را ندارد، بنابراین می توان آن را بدون جزر و مد در نظر گرفت. (شکل شماره یک) مهرداد بهار در کتاب از اسطوره تا تاریخ می گوید: «... به روشنی می توان دید که این نقشه جغرافیایی نمایشگر کدامین سرزمین هاست. بنابراین در این نقشه، دریای فراخکرد همان اقیانوس هند است. دریای پوئیتیک خلیج فارس و دریای ستویس دریای عمان است...». (شکل شماره دو) (بهار، ۱۳۹۹: ۲۲) واژه ستویس در این بند تیشتریشیت، منظور دریای عمان است که با کمک تیشتر آب را به هفت کشور می رساند.

۲- **طوفان هایی که در تیشتریشیت آمده است**: در کرده ۶ پاره ی ۲۸: «هر دو اسپنتمان زرتشت، تیشتر رایومند فرهمند و دیو اپوش به هم در آویزند، هر دو ای اسپنتمان زرتشت با همدیگر بجنگند، در وقت ظهر تیشتر رایومند فرهمند به دیو اپوش چیر شود و او را شکست دهد.»

نبرد دوم تیشتر که در هنگام ظهر است و بر دیو اپوش چیره می شود و پدیده ای که در این پاره آورده شده است کاملاً با یافته های علمی و هواشناسی مطابقت دارد. (آقازاده و بالالان فرد، ۱۳۹۷: سایت ایران بوم) هنگامی که تیشتر بر اپوش چیره می شود زمان طلوع ستاره شرق، تیشتر، در ابتدای تابستان است که در این مواقع در بعضی سال ها در اقیانوس هند با شدت یافتن دور پیوند Indian ocean در اقیانوس هند که نمونه کوچکتی از Elnino آرام حاره ای می باشد موجب رخداد توفان های حاره ای غرب سویی می شود که از سواحل هند حاره ای در اقیانوس هند شروع شده و به سمت جنوب غربی سواحل ایران، کشور عمان و گاه دریای عمان روان می شود مانند توفان حاره ای گونو که طی ماه ژوئن سال ۲۰۰۷ (شکل شماره سه) به سواحل مکران ایران برخورد و باعث کشته شدن ۲۸ نفر شد. مورد بعدی توفان میکونو در ۲۵ می ۲۰۱۸ (شکل شماره چهار) توفان حاره ای درجه یک بر فراز دریای پارس (دریای عمان) به سوی جنوب عمان و جنوب شرق یمن حرکت نمود که موجب رخداد توفان و سیل های بسیار سنگین در عمان و کشورهای همسایه شد.

۳- **کلمه آرش** برای اولین بار در تیشتریشیت آمده است و در خور توجه. از آنجایی که اسطوره آرش متعلق به دوران پیشدادیان است، به نظر می رسد که اسطوره ایزد باران (تیشتر) به همان دوران تعلق داشته باشد.

۴- **لگام و گردونه**: بند ۲۰: «آن گاه ای اسپنتمان زرتشت، تیشتر رایومند فرهمند به پیکر اسب سفید زیبایی با گوش های زرین و لگام زرنشان به دریای فراخکرد فرود آید.»

قابل به ذکر است در مورد واژه ی لگام زرنشان که در این پاره آمده است. لگام وسیله و ابزاری است که برای هدایت اسب اهلی استفاده می شود. در پی مهاجرت هایی که هندواروپاییان از استپ ها به سمت دیگر سرزمین ها داشتند، همواره به فرهنگ های مختلفی تقسیم شدند، یکی از این فرهنگ ها به نام سینتاشتا است که به نظر می رسد همان هندو ایرانیان گذشته



، در بین سال های ۲۱۰۰ پ.م تا ۱۸۰۰ پ.م باشند . (شکل شماره پنج) لگام و گردونه توسط همین فرهنگ به خاور نزدیک آورده شد . تا سال ۱۸۰۰ پ.م گردونه در خاور نزدیک شناخته شده نبوده است . همین سال ها باید نقطه تحولات در منطقه دانست که یکی از این تحولات مهاجرت این فرهنگ ها به سمت آسیای میانه یا مرکزی است .

در پاره ۵۶ صحبت از گردونه شده است ، گردونه نخستین وسیله نقلیه چرخ داری بود که برای استفاده در سرعت های بالا ساخته شد و همین نوآوری ، فرآیند جا به جایی زمینی را برای همیشه تغییر داد . امروزه بیشتر کارشناسان ، ابداع گردونه را به جوامع خاور نزدیک باستان از فاصله ۱۹۰۰ تا ۱۸۰۰ پ.م نسبت می دهند . (دیوید دابلیو آنتونی ، ۱۳۹۵ : ۳۸۱) پژوهشگران تا همین اواخر معتقد بودند گردونه های استپی متاخرتر از نمونه های خاور نزدیکی است . گردونه های جنگی خاور نزدیکی ، دو یا سه نفر خدمه داشتند : گردونه ران و تیرانداز و گاه هم یک سپربر برای محافظت از دو نفر دیگر در برابر تاییهای دشمن . گردونه های مصری فاصله بین ۱۴۰۰ تا ۱۲۰۰ پ.م قدمت دارند . این در حالی است که گونه های دیسکی شکل یافت شده در سینتاشتا که معمولاً از آن به عنوان اسباب تخصصی گردونه رانی یاد می شود در پیش از ۲۰۰۰ پ.م تاریخ گذاری شده است . در همان سال هایی که موج مهاجرت دوم آریایی ها به دلیل خشکسالی به سرزمین های آسیای مرکزی بوده است . در مهابهاراته در جنگ کوروکشته ، در شرح داستان اشاره به ارابه های تک نفره و دونفره دارد مانند این پاراگراف که آمده است : « ... بهیشما از نبرد با آرجونا یا کریشنا استقبال کرد ، اما کریشنا که سوگند خورده بود از نبرد مستقیم پرهیزد تنها راندن ارابه آرجونا را به عهده گرفت ؛ و بدین سان وظیفه ی کشتن بهیشما به آرجونا واگذار شد . در میدان نبرد نخست خواجه ئی با بهیشما به نبرد پرداخت و قهرمان بزرگ هنگامی که به حرکات خواجه می خندید آرجونا از تیرهای پیاپی او را برخاک افکند » . (مهابهارات، ۱۳۹۸ : ۲۳۷-۲۴۶) از آن جا که مهابهارات در ۱۵۰۰ پ.م سروده شده است و با توجه به تاریخ های فوق الذکر و براساس این داستان ، گردونه های آریایی قدیم تر و خالق آن می باشند . با توجه به فرهنگ های هندواروپاییان ، مانند سینتاشتا و بعد از آن پتروفکا و آندرنوو ، که هر دو از دل فرهنگ سینتاشتا پدید آمدند . مراسم عبادی و تدفینی سینتاشتا بیشترین شباهت را به متون کهن ریگ ودا و اوستا دارند . مانند متنی که در ریگ ودا آمده است « خدای ورونه با سر و ته کردن یک ظرف ، باران نزول کرده است . (دیوید دابلیو آنتونی ، ۱۳۹۵ : ۳۹۳) که در مراسم سینتاشتا دیده می شود . (شکل شماره شش) از آنجایی که در تیشتریشث صحبت از گردونه و لگام است و با توجه به دو نکته اولین آن تاریخ نگارش مهابهارات (۱۵۰۰ ق.م) که در آن کتاب نیز اشاره ای به گردونه شده است و یافته های باستانشناسی در استقرار سینتاشتا (قزاقستان) می توان گفت یک تاریخ گذاری احتمالی برای اسطوره ایزدباران بعد از ۱۸۰۰ ق.م در نظر گرفت .

سینتاشتا یکی از این فرهنگ هایی است که به طور شگفت انگیزی از اسب در آئین های دینی خود از آن استفاده می کردند . سینتاشتا استقرار استقراری است در کوه های اورال در استپ های شمالی که به صورت روستایی مدور با استحکامات به قطر ۱۴۰ متر که به گرد آن دیوار گلین تقویت شده با الوار کشیده اند و دروازه و برج و بارو نیز دارد . در بیرون استقرار ، در مجتمع تدفینی



، یافته های چشمگیری به دست آمد که شگفت انگیزترین آن بقایای گردونه است و بنا بر تاریخ گذاری های رادیو کربن ریال قدیمی ترین نمونه های شناخته شده در جهان شمرده می شوند. قبرستان های آن ها از نوع « گور - تپه » می باشد. که همسانی این نوع قبرستان ها در ریگ ودا آمده است: « بگذار آن ها مرده را در این تپه خاک کنند »، « باشد که پدران ، این ستون را برای تو برپا نگاه دارند »، « من این خاک را گرد تو بر آوردم ؛ باشد که همچنان که این پشته خاک را بر می آورم ، به تو آسیبی نزنم ». این جملات ریگ ودا دقیقاً توصیفی از گودال های دخمه ای سینتاشتا است که سقف هایی از جنس قطعات الوار چوبی داشته و با تیرک های چوبی و الوار تقویت کننده ی دیوار حمایت می شده اند. قربانی اسب در مراسم های آئینی و تدفینی سینتاشتا نقش محوری داشته است که در استپ ها بی سابقه بوده است. استخوان اسب در قبرهای اوایل عصر مفرغ و میانه عصر مفرغ هم دیده شده ، اما هرگز نه به این تعداد بوده و نه به این دفعات زیاد در مقایسه با استخوان گوسفند و رمه دیده شده است. مراسم قربانی اسب در ریگ ودا توصیف شده است: « جوارح آن را دست نخورده نگاه دارید و آن ها را مطابق دستور در جای خود قرار دهید ، آن گاه آن ها را ببرید و تکه تکه در جای خود بگذارید ». این توصیف با قربانی های سینتاشتا همخوان است که بخش پائینی پای اسب را به دقت از مفاصل جدا کرده و درون و یا در روی قبر قرار داده اند. حتی ترجیح اسب به عنوان جانور قربانی نیز ، همسانی خاص خود را در ریگ ودا دارد ؛ آن جا که در سروده ای دیگر می گوید: « آن ها که پخته شدن این اسب تندرو را می بینند ؛ او که می گوید: چه بوی خوبی! خوراک را ببرید و بدهید! و او که در انتظار دریافت صدقه ی گوشت اسب جنگی است ؛ باشد که تایید آن ها از کیفیت خوراک مشوق ما باشد ». این سطور نیز به توصیف مراسم عمومی ای می ماند که هنگام خاکسپاری سران در سینتاشتا جاری بوده است ؛ ضمن این که دفائن استخوان سر و سم اسب ، رمه ، گوسفند و بز و گورستان های سینتاشتا نیز گواهی بر این است که لابد صدها ، یا حتی چند هزار کیلو از گوشت اسب برای پختن مهیا می شده است. در ریگ ودا آمده است که خدای ورونه با « سر و ته کردن » یک ظرف ، باران نزول کرده است. از سوی دیگر دیدیم که در یکی از دفینه های سینتاشتا ، ظرفی وارونه را بین دو ردیف جانور قربانی شده قرار داده اند. برای مثال در ریگ ودا (۲-۱۲ ، ۲-۲۳ و ۲-۲۸) عبارت زیر مرتباً در بخش پایانی تکرار شده است: « باشد که با کلامی تاثیر گذار ، که یادآور کلام مردی نیرومند در گردهمایی قربانی است. سخن گویم ». این گونه اجراهای عمومی ، نقش مهمی را در جذب افراد به مراسم ، به نظام آئینی ، و حتی به زبان « هندوایرانیان » ایفا می کرده است. این گونه « انفجار » و گسترش نوآوری های آئینی ، سیاسی و رزمی سینتاشتا ، تاثیرات بزرگی را در فرهنگ های بعدی استپ های اوراسیا از خود باقی گذارد ؛ و این دلیل دیگری بر این است که فرهنگ مزبور را باید بهترین و شفاف ترین نامزد برای موجودیت یافتن هویت « هندو - ایرانی » پنداشت. در داخل قبرستان های گور تپه ای سینتاشتا قطعات استخوانی گونه بند لگام ، گردونه با چرخ پره دار ، دشنه و تبر مسی و مفرغی آرسن دار ، پرتابه های نوک تیز سنگی و استخوانی ، سرنیزه ی مفرغی آرسن دار سوکت دار ، سر گرز سنگی ، ظروف سرامیکی و چند تزئینات کوچک طلا و نقره می شود. وجه چشمگیر این قبرها ، جنگ افزار ،



وسایل نقلیه و قربانی های جانوری ، و نه تخت و جواهرات است . تاریخ گذاری رادیو کربن برای قبرستان های و محوطه ی سینتاشتا ، به گونه ای کننده واگرا هستند و از ۲۸۰۰ پ.م تا ۲۷۰۰ پ.م تخمین زده شده اند.

موقعیت جغرافیایی جوامع سینتاشتا در مرز شرقی جهان استپ پونتیک - کاسپین ، آن ها را در معرض ارتباط با انواع فرهنگ های جدید ، از کوچگرد تا شهرنشینی قرار می داد . ارتباط مزبور بیش از هر چیز به افزایش تولیدات فلزی ، آئین های قربانی در مراسم تدفین و نیز به رشد نظامی انجامیده است که مشخصه ی فرهنگ سینتاشتا شمرده می شود . (دابلوی آنتونی، ۱۳۹۵: ۳۷۵)

۵- **دیو آپوش یا دیو خشکسالی** : در مقاله « واکنش اکوسیستم ساحلی خاورمیانه به تغییرات آب و هوایی ناگهانی هولوسن میانی تا اواخر » از کانوسکی و پولسن (Kaniewski, and other, 2008) ، به تشریح رابطه ی خشکسالی و پایان یافتن شهری هرپا در سند و فروپاشی پادشاهی کهن در مصر می شود . در این مقاله ، با مطالعات و بررسی های به عمل آمده در سواحل خاورمیانه ، دو تغییر آب و هوایی را نشان می دهد . اولین ACC به طور کلی به عنوان رویداد خشک 4.2 کالری شناخته می شود که دوره ی زمانی آن از سال ۲۲۵۰ تا ۱۹۵۰ را در سراسر جهان پوشش می دهد ، منجر به فروپاشی ناگهانی استان های شمالی امپراتوری آکد و پایان یافتن شهری هرپا در سند و فروپاشی پادشاهی کهن در مصر می شود . دومین ACC 3.2 کالری بین سال های ۱۵۵۰ تا ۵۵۰ قبل از میلاد که منجر به فروپاشی پادشاهی اوگاریت - سقوط شهرهای هلنستی ، آناتولی و شام همگی بر تهاجمات به اصطلاح « مردم دریا » نسبت داده می شود . در بین این دو ACC ، در بین سال های ۱۶۵۰ تا ۱۰۵۰ قبل از میلاد طبق تحقیقاتی که در جنوب شرقی مدیترانه انجام شد ، نشان می دهد که با افزایش نرخ تبخیر و تغییراتی در آب و هوا انجامیده است که می توان با تغییرات رطوبتی جوی در هند مرتبط دانست . این بیانگر این است که همزمان با ورود آریایی ها به این منطقه ؛ مصادف بوده است با پایان دوره خشکی ACC اول .

افق فرهنگی آندرونوو از دل فرهنگی سینتاشتا پدید آمد و بعد از آن فرهنگ BMAC تحول یافت . کارلوفسکی هم BMAC را دارای نخستین مدارک باستان شناختی هم از لحاظ گاهنگارانه و هم از نظر تاریخی برای آغاز زبان هندوایرانی در فلات ایران می داند و می گوید در واقع خاستگاه این زبان است یخی برای آغاز زبان هندوایرانی در فلات ایران می داند و می گوید در واقع خاستگاه این زبان است (Hibert and kralovsky, 1992). کوزمینا و لپن معتقدند که به دلیل خشک شدن دلتای رودخانه مرغاب ممکن است تهاجمی به وسیله قبایل آندرونوف از سمت استپ ها رخ داده باشد که سبب از بین رفتن BMAC شده است. به دلایلی که هنوز ناشناخته است در اواسط هزاره ی دوم ق.م بسیاری از محوطه ها متروک شده اند . (Kuzmina, and Lapin, 1984). سه فرهنگ نام برده (سینتاشتا و آندرونوو و BMAC) براساس مطابقت تدفین ها و مراسم آیینی آنها با سرودهای ریگ ودا به نظر می رسد که همان هندو پارتی هایی باشند که میچتر تحلیل هایی بر آن نموده است که بر اساس تحلیل های سکه شناسانه می باشد ، او می گوید: « بر اساس شواهد مکتوب و سکه شناسانه می توان نتیجه گرفت هندوپارتیان سوراشر را در زمان گندوفارس تحت سلطه خود در آورده و با مباشرت آن را به لدان پسر « بگافان » و خواهرزاده ی گندوفارس



سپرده بودند » و در ادامه می گوید : « متن اعمال توما و « گفتار مشکوک یوحنا در باب مرگ مریم » به نام لدان اشاره دارند . اوسیوس مورخ قرن سوم میلادی به کهنات توما در پارت اشاره می کند . اصطلاح پارت پیشتر توسط نویسنده رهنامه برای اشاره به هندوپارتیان سوراشر به عنوان پارتیان به کار رفته بود « . (شکل شماره هفت) (Mitchiner,1976:811-814 &718,719,721)

دلایل میچنر درباره ی حضور هندوپارتیان در سوراشره را باید از جنبه منابع مکتوب قابل اعتنا دانست و نه سکه شناسانه . در این صورت ، در توافق با نظرات او می توان گفت که حاکمان بخش سفلی سند و سوراشر در اصل از سکاهاایی بودند که از پنجاب و مکران به آن دیار مهاجرت کرده بودند. (کلانی ، ۱۴۰۱: ۱۵۴-۱۵۵)

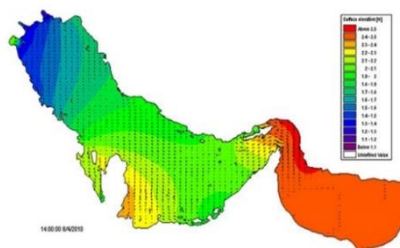
پس با توجه به سه نکته، تحقیقات کانپوسکی و پولسن در سال ۲۰۰۸ که خشکسالی که در تیشتریشت آمده است و آن را به نام دیو اپوش معرفی نموده است وجود داشته است ، سرودهای ریگک ودا ، توضیحات بند شماره ۴ و ACC اول تغییرات آب و هوایی در منطقه هند می توان یک تاریخ گذاری احتمالی برای وقوع این خشکسالی بین ۱۷۰۰ تا ۱۴۰۰ در نظر گرفت .

نتیجه گیری

تیشتر نام ایزد باران و نام ستاره باران است . صورت اوستائی آن تیشتریه ، در پهلوی تیشتر و در فارسی تیر یا تیشتر یکی از ستارگانی که مسئولیت رساندن آب را (عمدتاً آب باران) به زمین بر عهده دارد . تیشتر از نیرومندترین ستارگان است ، او را در وهله ی اول با جنبه ی های مختلف آب شناسی مرتبط می کند . از تیشتر یشت بر می آید که تیشتر از نقطه نظر پدیدارشناسی دینی ، خدای طوفان های جوی نیست . هر چند با طلوع سالانه اش مصادف نیروهای طوفان برانگیز بود ، اما به نظر می رسد که این خود تیشتر نیست که باعث نزول باران می شده است . نبردش با نیروهای شر که مانع بارش باران می شدند به تنهایی باعث به وجود آمدن شرایط مناسبی برای تولید باران می گشت . تیشتر فرشته باران و اپوش دیو خشکسالی پیکار و مبارزه پر هیجانی را می گذارند و سرانجام او را شکست داده و آب های آسمانی را بر زمین فرو می ریزد . در تیشتریشت شرح مبارزه و چگونگی ظهور این ستاره آمده و یادآوری شده است . از نکات در خور توجه در این یشت اشاره به تیراندازی آرش پاره های ۶ و ۷ و ۳۷ و ۳۸ است و این قدیمی ترین منبعی است که در آن ، نام این قهرمان آمده است و به نظر می رسد که اسطوره ی تیشتر مربوط به دوران پیشدادیان باشد. در بند هایی در تیشتریشت به دریای فراخکرد اشاره رفته است ، با توضیحاتی که در متن مقاله آمد به نظر می رسد خاستگاه آن در تمدن دره سند و اقیانوس هند می باشد و پدیدآوردگان اسطوره تیشتر ، فرهنگ های سینتاشتا ، آندرونوو می باشند . با بررسی و مطالعه فرهنگ های سینتاشتا و آندرونوو و BMAC که از یک ریشه هستند ، با مطالعه بر گورتیه ها و مراسم های آئینی و با توجه به گفته های ریگک ودا که با یافته های باستانشناسی در استقرار آنها مطابقت دارد که می توان نتیجه گرفت سینتاشتاها یا آندرونوو BMAC همان هندوپارتی های (هندوسکایی) باشند که قسمت های



انتهایی تمدن دره سندرا ضمیمه قلمروی خود نموده بودند و همچنین انتقال دهنده این اسطوره به ایران می باشند . با مطالعه و بررسی تیشتریشت و وقایع نبرد تیشتر با دیو خشکسالی (آپوش) زمان اتفاق آن بین سال های ۱۷۰۰ تا ۱۴۰۰ قبل از میلاد می باشد که سال های پایانی خشک سالی را تجربه کرده است .



شکل شماره یک

: <https://www.pmo.ir/fa/news/10567/>

منبع



شکل شماره دو

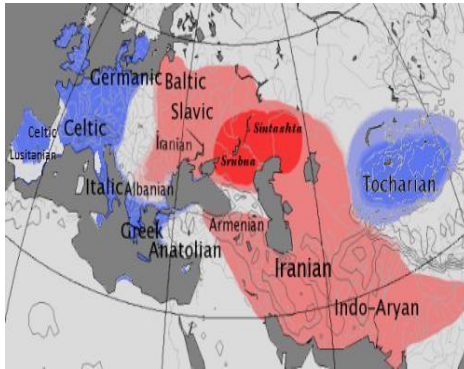
منبع : مهرداد بهار در کتاب از اسطوره تا تاریخ



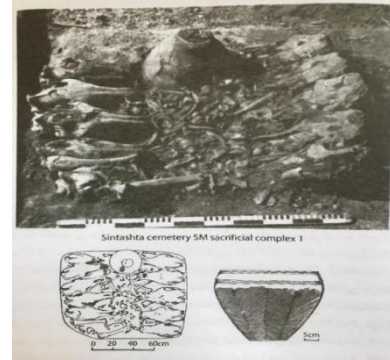
شکل شماره چهار
توفان گنو (منبع:سایت ایران بوم)



شکل شماره سه
توفان میکونو (منبع:سایت ایران بوم)

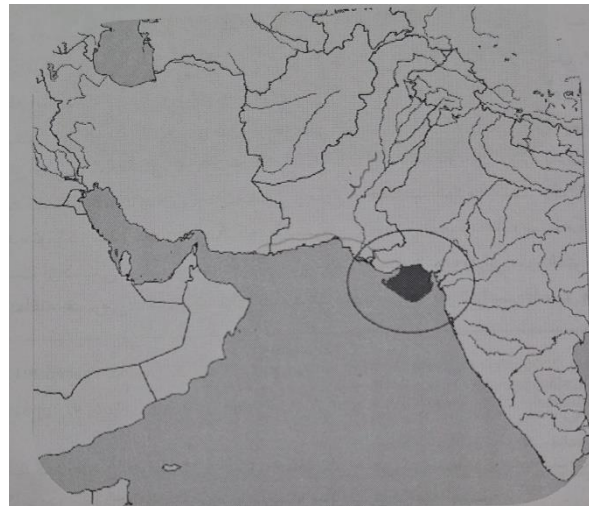


شکل شماره پنج



شکل شماره شش

منبع: کتاب هندواروپائیان اثر دیوید. دابلویو. آنتونی ص ۳۸۹



شکل شماره هفت

موقعیت منطقه سوراشر در جغرافیای هندوستان

منبع: کتاب هندوپارتیانو برآمدن ساسانیان اثر رضا کلانی ص ۱۵۳



کتابنامه :

- آموزگار، ژاله: **تاریخ اساطیری ایران**، چاپ بیستم، سمت، ۱۳۹۹.
- آقازاده، رضا. بالالان فرد، علی رضا: (۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۷) «**به بهانه ی تیشتریشْت، نگاهی به تیشتریشْت**»، جشن هاوگردهمایی، نگرشی بر تاریخ و فرهنگ ایران زمین، سایت ایران بوم، (<http://www.iranboom.ir/jashnha/73-tir/17036-negahi-be-tishtaryasht-9704.html>).
- اسماعیل پور، ابوالقاسم: «**تیرما سیزه شو (جشن تیرگان)**»، نامه ی انسان شناسی، شماره ی اول، دوره ی اول، ۱۳۸۱.
- بهرامی، عسکر: **تاریخ اساطیری ایران**، چاپ سوم، ققنوس، ۱۳۹۹.
- بویس، مری: **زردشتیان باورها و آداب دینی آن ها**، ترجمه عسکر بهرامی، چاپ شانزدهم، ققنوس، ۱۴۰۰.
- تفضلی، احمد: **تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام**، چاپ هشتم، سخن، ۱۳۹۸.
- چالاک، سارا. مرادی، ایوب: «**بررسی جلوه های اساطیری در اسرار التوحید**»، فصل نامه ی ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، س ۱۲، ش ۴۴، ۱۳۹۵.
- حاتم، غلامعلی. داناسرشت، سمیرا: «**نمادهای اساطیری تیشتر و ورثه بر روی مهرهای ساسانی**»، فصلنامه ی علمی - پژوهشی هنرهای تجسمی نقش مایه، سال پنجم، شماره ی دوازدهم، ۱۳۹۱.
- خواجہ گیر، علی رضا. دیگران: «**رابطه ی متقابل دین و اسطوره در پدیدارشناسی الیاده و روانشناسی یونگ**»، مجله ی الهیات تطبیقی، دوره ی ۱۱، ش ۲۳، ۱۳۹۹.
- دادور، ابوالقاسم. روزبهانی، رویا: **نقش طبیعت در شکل گیری اساطیر ایران**، چاپ اول، مهرنوروز، ۱۳۹۷.
- دابلو آنتونی، دیوید: **هندواروپائیان نقش اسب و چرخ در گسترش زبان های هندواروپائی**، ترجمه خشایار بهاری، چاپ اول، فرزانه، ۱۳۹۵.
- زرشناس، زهره. گشتاسب، فرزانه: **تیشتریشْت**، چاپ اول، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۹.
- عفیفی، رحیم: **اساطیر و فرهنگ ایران**، چاپ دوم، توس، ۱۳۸۳.
- فرنخ دادگی: **بندھش**، ترجمه مهرداد بهار، چاپ هفتم، توس، ۱۴۰۰.
- کرتیس، وستاسرخوش: **اساطیر ایران**، ترجمه محمد مهدی باقی و شیرین مختاریان، چاپ اول، پرسش، ۱۳۹۴.
- کرتیس، وستاسرخوش: **اساطیر ایران**، ترجمه ی عباس مخبر، چاپ سیزدهم، نشر مرکز، ۱۳۹۸.
- گرین، میرانداجین: **اسطوره های سلتی**، ترجمه ی عباس مخبر، چاپ پنجم، نشر مرکز، ۱۳۹۸.
- مالاندرا، ویلیام: **مقدمه ای بر دین ایران باستان**، ترجمه خسرو قلی زاده، چاپ دوم، پارسه، ۱۳۹۳.
- مهابهارات**، به روایت ویلیام باک، ترجمه فرنوش اولاد، چاپ دوم، چشمه، ۱۳۹۹.



مینوی خرد، ترجمه احمد تفضلی، چاپ هشتم، توس، ۱۴۰۰.

مصباح، بیتا. دادور، ابوالقاسم: «*تحلیل اسطوره شناختی مفاهیم موثر بر شکل و فرم ریتون های هخامنشی*»، نشریه علمی باغ نظر، ۱۶ (۷۲)، ۲۱-۳۲، ۱۳۹۸.

نیکویخت، ناصر. دیگران: «*مقایسه ایزدان آب در اسطوره های ایران و ویتنام*»، فصلنامه ی ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، سال ۸، شماره ۲۹، ۱۳۹۱.

هینلز، جان: *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه ی ژاله آموزگار و احمد تفضلی، چاپ بیست و سوم، چشمه، ۱۳۹۸.

یشت ها ۱ و ۲، ترجمه ابراهیم پورداود، چاپ دوم، نگاه، ۱۳۹۹.

یارشاطر، احسان: *آیندرا*، چاپ اول، شفیع، ۱۳۹۹.

سایت <https://www.pmo.ir/fa/news/10567> سازمان بنادر و دریانوردی.

سایت علمی بیگ بنگ / منبع ukho.gov.uk؛ برگردان: ۱) star7sky.com، ۲۶ مهر ۱۳۹۶.

Hibert, Fredrik. Lamberg-karlovsky, C.C. (1992) "Central Asia and the indo-iranian Boarderlands", iran, vol, 30, pp. 1-15.

Kaniewski ; D, and other . "Middle East coastal ecosystem response to middle-to-late Holocene abrupt climate changes"; 2008 sep 16 ; 105 (37) : 13941-13946.

Kuzmina, and Lapin. (1984) . "Novie nechodki stepnoi keramici na Murgabe", in problem archaeologii Turkmenistava Ashkabbad : Nauka.

Mitchiner, Michael. 1976 . Indo-Greek and Indo-Scythian Coinage (Vol. 9),; vol .8: